فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۷، صفحات ۱۴۵-۱۱۹

ارزیابی موانع مشارکت شهری در شرایط جامعه‌ی محلی ایران با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری فازی

فرزین محمودی پاتی [۱]، سجاد فلاح زاده [۲]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵

چکیده

هدف اصلی مقاله‌ی حاضر، تبیین روابط مستقیم و غیر مستقیم کلیدی‌ترین موانع مشارکت شهری در ایران نسبت به یکدیگر است. به همین منظور از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) و روش تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و وابستگی(MICMAC) با تکیه بر منطق فازی استفاده شده و روش تحقیق مقاله نیز توصیفی و تحلیلی است. یافته‌های مقاله حاکی از وجود ۱۲ مانع کلیدی مشارکت شهری در ایران در زمینه‌های مدیریتی- حرفه‌ای، ساختاری- قانونی، نهادی- سازمانی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی- رفاهی است. نتایج تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که روابط میان این موانع از یک ساختار پلکانی پنج‌سطحی برخوردار است که در پایین‌ترین سطح پلکان، موانع ساختار برنامه‌ریزی متمرکز و آمرانه و نبود نگرش مشارکتی(٦)، ضعف در قوانین و مقررات مرتبط با مشارکت در حوزه‌های مالی و نظارتی(۵) و کمبود آموزش‌های لازم در زمینه‌ی حقوق شهروندی و مشارکتی(۸) به عنوان پایه‌ی موانع مشارکت شهری در ایران تعیین شده‌اند. در بالاترین سطح نیز عدم اعتماد مردم به مسئولین شهری(۱۰) قرار دارد. همچنین نتایج تحلیل یافته‌ها بیان می‌کند که مانع ساختار برنامه‌ریزی متمرکز و آمرانه و نبود نگرش مشارکتی(٦) به عنوان مستقل‌ترین و مطلع‌نکردن شهروندان از طرح‌ها و برنامه‌ها و اطلاع‌رسانی نادرست(۲) به عنوان وابسته‌ترین متغیر نقش بازی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: پلکان موانع مشارکت شهری؛ موانع کلیدی مشارکت؛ مدل‌سازی ساختاری تفسیری فازی؛ تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و وابستگی؛ ایران

[۱] استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران،(نویسنده‌ی مسئول)، Farzinmahmoudi@umz.ac.ir

[۲] دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران، s.fallahzade@ut.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

مقدمه

دانش شهرسازی جدید، به عنوان مجموعه‌ای از نظریه‌ها و رویه‌های نسبتاً مدون درباره‌ی برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری، در نخستین دهه‌های قرن بیستم در اروپا و امریکا به وجود آمد. در شرایط سیاسی و اقتصادی آن دوران، شهرسازی بیش از هر عامل دیگر، تحت نفوذ و اقتدار دولت و به‌ویژه کارکردهای اقتصادی و مدیریتی قرار داشت و به همین دلیل بیش‌تر خصلتی آمرانه، از بالا به پایین و دیوان‌سالارانه پیدا کرد. در نتیجه سرنوشت شهرها و انبوه شهروندان که بستر اصلی حیات اجتماعی و تمدن معاصر را تشکیل می‌دهند، بیش از هر عامل دیگر در حیطه‌ی اقتدار دولت‌مندان و فن‌سالاران قرار گرفت(مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ٤٤)؛ اما امروزه نقش مردم در تمامی امور اجتماعی روز به روز حساس‌تر شده و حق تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان که از حقوق طبیعی و خدادادی آن‌هاست، مورد پذیرش همگان قرار گرفته است(خادم‌الحسینی و عارفی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۹). با وجود این، مدت‌ها طول کشید تا مفهوم مشارکت از حوزه‌ی سیاست و فرهنگ، خود را به حوزه‌ی برنامه‌ریزی رساند(حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸٤: ١٦). نظریه‌های برنامه‌ریزی در جهان امروز بیش از گذشته به مشارکت و انسانی‌شدن طرح‌ها تأکید می‌کنند؛ این امر به آن علت است که کاستی‌های شهرسازی آمرانه روز به روز مشخص شده و بر لزوم به‌کارگیری روش‌های مشارکتی صحه می‌گذارد (خادم‌الحسینی و عارفی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۹). مفهوم مشارکت، مفهومی گسترده و تا حدودی قابل تعریف است. از حیث لغوی این واژه به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص می‌باشد(محمدی، رضویان و صرافی، ۱۳۹۲: ٤٦). در اصطلاح نیز، مشارکت، عبارت است از فرآیندی که مداخله‌ی داوطلبانه همگان را در همه‌ی اموری که به آن‌ها مربوط می‌شود و تمایل و توانایی اظهار نظر، انتخاب و انتقاد را در قبال آن امور در بر می‌گیرد (زارعی، ۱۳۷۸: ٧٦). با تعمیم این مفهوم به دیدگاه شهری، مشارکت در مفهوم گسترده به معنی برانگیختن حساسیت و در نتیجه افزایش درک و توان مردم در جهت پاسخ‌گویی‌شان به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی در زمینه‌ی توسعه‌ی سکونت‌گاهی است(پورجعفر و اردستانی، ۱۳۸۷: ٤). مفهومی که در این حوزه با مشارکت پیوند خورده است عبارت است از برنامه‌ریزی مشارکتی. برنامه‌ریزی مشارکتی مجموعه‌ای از فرآیندهایی است که از طریق آن، گروه‌ها و تمایلات متنوع با هم تعامل می‌کنند، تا برای تهیه‌ی یک برنامه و نحوه‌ی انجام آن به توافق برسند (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸٤: ۱۹). در حوزه‌ی اجتماع شهری نیز از دیدگاه انجمن شهرسازی آمریکا، مشارکت اجتماعی عبارت است از دخالت‌های مردم در ایجاد و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

مدیریت محیط‌های طبیعی و مصنوع زندگی خود. کنش مشارکت اجتماعی بر پایه‌ی این اصل قرار دارد که اگر شهروندان فعال باشند و در خلق و اداره‌ی محیط‌های طبیعی و مصنوع خود دخالت کنند، به جای آن‌که با آنان با عنوان مشتریان منفعل رفتار شود، محیط، دارای عملکردی بهتر خواهد بود (انجمن شهرسازی آمریکا، ۱۳۸٦: ۱۸۷). اما گاهی همین کنش اجتماعی منجر به بروز ناسازگاری بر سر منافع در اجرای پروژه‌های مشارکت‌محور و در نتیجه شکست آن نیز می‌شود(فلاح‌زاده و محمودی، ۱۳۹٤: ٦). با همه‌ی این اوصاف، موضوع مشارکت و کاربرد آن در علوم مختلف به‌خصوص شهرسازی و برنامه‌های توسعه‌ی شهری چندین دهه است که مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گرفته و از جمله عوامل و مؤلفه‌های موفقیت طرح‌های شهری به شمار می‌آید (ماجدی، عندلیب و مشارزاده مهرابی، ۱۳۹٤: ۳). همچنین تجربه نشان داده است که مشارکت مردمی در اداره‌ی امور شهری باعث بهبود کارایی، تخصیص هزینه به سوی اولویت‌های اجتماعی و پروژه‌های زیربنایی می‌گردد(حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۱۳٤). امروزه ضرورت مشارکت شهروندان در بهبود وضعیت کالبدی و اجتماعی شهرها بر کسی پوشیده نیست(علی‌زاده، رضوی‌نژاد و رادفر، ۱۳۹۲: ٦٤). به رغم همین اهمیت و ضرورت مشارکت شهروندی به عنوان عامل اصلی مشروعیت‌بخشیدن به طرح‌های توسعه‌ی شهری و طرح‌های نوسازی و به‌سازی در ایران، هنوز به‌کارگیری این مفهوم به هنگام تهیه، تصویب و اجرای این طرح‌ها با موانع جدی مواجه است و اعم مشارکت‌ها به صورت شعاری انجام می‌شوند. در این زمینه که چه عواملی منجر به عدم موفقیت به‌کارگیری مشارکت واقعی در طرح‌های شهری می‌شود، پژوهش‌های متعددی در ایران صورت گرفته است. لذا این تحقیق نیز در نظر دارد تا با شناسایی و دسته‌بندی موانع مشارکت در امور شهری از طریق مرور مقاله‌های موجود و مرتبط، با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری به تعیین روابط علّی برقرار میان این موانع پرداخته و ارتباط این موانع را نسبت به هم نشان دهد. بنابراین، سه سؤال کلیدی مطرح می‌گردد که در این مقاله به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد؛ ۱- کلیدی‌ترین موانع به‌کارگیری مشارکت شهری دو دهه‌ی اخیر در ایران چه هستند؟ ۲- روابط علّی و ارتباطی که میان این موانع برقرار است چگونه خواهد بود؟ ۳- وابسته‌ترین مانع و مستقل‌ترین مانع کدام هستند؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

پیشینه‌ی پژوهش

در حوزه‌ی شناسایی و تحلیل موانع مشارکت شهری در ابعاد مختلف در ایران پژوهش‌های بسیاری صورت پذیرفته است که به اهم آن پرداخته خواهد شد. یاور(۱۳۸۰) در پژوهشی در پی آن بود تا به جایگاه مشارکت در شهرهای ایرانی و بررسی موانع و ارائه راهکارها بپردازد. مطالعات یاور نشان می‌دهد که عدم اعتقاد مدیران و مسئولین دست‌اندرکار امور شهری به مشارکت و تحمیل نظرات خود، نهادینه‌نبودن مشارکت و نبود سازمان‌های متولی مشارکت، وضعیت نامناسب اقتصادی و مالی جامعه و همچنین نبود شرایط سیاسی مطلوب از جمله مهم‌ترین موانع مشارکت عملی مردم در اداره‌ی امور شهرها در جامعه از دیدگاه شهروندان هستند.

حبیبی و سعیدی رضوانی(۱۳۸٤) در پژوهش خود با عنوان «شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران»، مشارکت در ایران را مشارکتی در سطح شعاری دانستند. در نتیجه از دیدگاه آن‌ها، مهم‌ترین موانعی که برای دستیابی به یک مشراکت واقعی وجود دارند عبارت‌اند از: معطوف‌بودن نیت اصلی برنامه‌ریزان به تأمین منافع مراجع برنامه‌ریزی و دولت، معطوف‌بودن دامنه‌ی مشارکت به تأمین اعتبار مالی طرح و سهیم‌شدن در سود آن، ابزاری‌بودن نگاه مشارکتی جهت مشروعیت‌بخشی به طرح و کاهش مقاومت در برابر اجرای آن، فقدان نظرخواهی از شهروندان، فراهم‌نبودن عرصه برای حق اعتراض به طرح، فراهم‌نبودن زمینه برای نظارت شهروندی، یک‌سویه‌بودن(از پایین به بالا) جریان اطلاعات و وجود دیدگاه مطلق‌گرایانه‌ی مسئولین(یعنی صاحب حق‌نشمردن مردم).

پیربابایی و شهانقی(۱۳۸۵) با بررسی مبانی و چشم‌انداز شهرسازی مشارکتی در به‌سازی و ساماندهی معضلات شهری، مهم‌ترین موانع مشارکت را فقدان آموزش شهروندی، ترکیب ناهمگون فرهنگی و جمعیتی شهرها، عدم ارتباط مدیریت شهری با نسل، بی‌ثباتی حرفه‌ای، مکانی و اجتماعی و عدم شکل‌گیری یا فعالیت مؤثر نهادهای مدنی دانستند.

پورجعفر و اردستانی(۱۳۸۷) با بررسی موانع مشارکت در حوزه‌ی به‌سازی و نوسازی بافت‌های فرسوده بیان می‌دارند این موانع در بخش‌های مختلف عبارت‌اند از: در بخش ساختاری شامل فقدان مدیریت یکپارچه، برنامه‌ریزی بسیار متمرکز، فقدان ساختارهای محلی، در بخش فرهنگی اجتماعی شامل عدم اعتماد مردم به مسئولین، فقدان انگیزش برای کار گروهی، فقدان بسترهای فرهنگی مناسب برای مشارکت و کمبود آموزش‌های لازم، در سایر بخش‌ها نیز شامل عدم مداخله‌ی واقعی مردم به‌واسطه‌ی تحمیلی‌بودن مشارکت، عدم اطلاع مردم از برنامه‌ها،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

محدودیت‌های قانونی نظیر نبود قوانین و مقررات ویژه در خصوص مشارکت، احساس عدم تعلق به محله، عدم آگاهی مردم از مساعدت‌های ممکن نهادهای غیردولتی، برخورداری ساکنین از سطح اقتصادی و درآمدی پایین و مانع سیاسی همچون متمرکزبودن ساختار نظام سیاسی و قدرتی. آن‌ها در میان موانع فوق، مبحث عدم اعتماد به مردم و بالعکس، عدم اعتماد به مسئولین را مهم‌ترین عامل می‌دانند. به‌طوری‌که پژوهش علی‌پور، زاهدی و شیانی(۱۳۸۸) در زمینه‌ی اعتماد و مشارکت نیز بر این امر هم نظر است.

نوذری و رجب‌دوست(۱۳۸۸) در تحقیقات خود با مقایسه‌ی دو شیوه‌ی برنامه‌ریزی مردم‌گریانه یا شهروندمدار و برنامه‌ریزی کارکردگرا یا مدرنیستی، به این نتیجه رسیده‌اند که برای رفع موانع مشارکت، توجه به عوامل پیش رو ضروری است؛ تحول در پارادایم برنامه‌ریزی کنونی به برنامه‌ریزی راهبردی مشارکتی، بهره‌گیری از بخش خصوصی و تشکل‌های غیر دولتی در توسعه‌ی شهری، کنارگذاشتن روحیه‌ی آمرانه و دیدآماری به شهروندان از سوی مدیران و مسئولین، ارتقاء سطح آگاهی شهروندان در تمامی زمینه‌های امور شهری، آموزش ادامه‌دار شهروندان در تمامی زمینه‌ها، بهره‌گیری از سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مردمی به منظور رفع مشکلات شهری، قبول مشارکت مردمی، نهادهای محلی و عمومی و پرهیز از تفکر سودآوری غیرانسانی نزد مدیران شهری.

در پژوهشی گسترده که غفاری و جمشیدزاده(۱۳۹۰) برای اداره‌ی کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران انجام داده‌اند، موانع مشارکت در ایران با دسته‌بندی متفاوت‌تری مورد بررسی قرار گرفت که بدین ترتیب می‌باشند: موانع مربوط به استفاده‌کنندگان(شهروندان) شامل عدم آگاهی شهروندان از وظایف متقابل شهرداری و شهروندی، عدم هم‌خوانی نظام کالبدی شهرهای ایران با فرهنگ شهرنشینی و مسائل مرتبط با فرهنگ جامعه‌ی شهری، موانع مربوط به کارشناسان و برنامه‌ریزان، شامل عدم توانایی در برقراری ارتباط سازنده با مردم، بی‌اعتقادی به اهمیت مشارکت‌های مردمی در افکار برخی کارشناسان، بسته‌بودن تشکیلات اجرایی برای مشارکت مردم و نبود ارتباط مؤثر بین مراکز پژوهشی- آموزشی و کارشناسان شهرداری‌ها و موانع مربوط به سیاست‌ها و قوانین حاکم شامل ضعف باور عمومی به مشارکت مردمی، ضعف نهادهای مختلف مشارکتی اعم از سازمان‌های غیردولتی، تعاونی‌ها و...، ناکافی‌بودن قوانین کشور برای تضمین سرمایه‌گذاری در امور شهری و تغییرات سریع مدیریتی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

نوریان و آریانا(۱۳۹۱) موانع مشارکت عمومی را در حوزه‌ی بازآفرینی را از جنبه‌ی قوانین و مقررات مورد بررسی قرار داده و دریافتند که قوانین و مقررات شهری در ایران که به تقویت مشارکت عمومی منجر می‌شوند، در زمینه‌های اجتماعی و مدیریتی از کاستی‌های زیادی برخوردار بوده و در زمینه‌های اقتصادی و کالبدی نیز دچار تغییر و تحریف شده یا نادیده گرفته می‌شوند. بنابراین برای رسیدن به مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری، باید ضمن فراهم‌ساختن قوانین و مقررات پشتیبان مشارکت عمومی، سازوکاری برای اجرای کامل و بدون تغییر یا تحریف آن‌ها پیش‌بینی شود. به این منظور، قوانین و مقرراتی چون تضمین زیان مشارکت‌کنندگان، واگذاری اعتبار توسعه، اجرای پروژه‌های مشترک، تشکیل بانک اطلاعات و نظارت بر معاملات را پیشنهاد نمودند.

امین‌زاده و رضابیگی(۱۳۹۱) با ارزیابی جایگاه مشارکت در طرح‌های منظری شهری، نمونه محله اتابک، به این نتیجه رسیدند که این طرح نشان‌دهنده‌ی تجربه‌ی ناموفق مشارکت مردم در فرآیند نوسازی و احیای این بافت بوده است که به دنبال خود بی‌اعتمادی مضاعف به مدیریت شهری را در جلب مشارکت مردم سبب شده است. آن‌ها نیز در ادامه‌ی پژوهش خود بیان داشتند که برای برطرف‌شدن موانع مشارکت، پیش‌شرط‌هایی لازم‌اند که بدین شرح می‌باشند: ۱- باور متخصصین و مدیران نسبت به ضرورت مشارکت؛ بدین منظور که برخی از متخصصین معتقدند که چون مردم مسائل تخصصی را متوجه نمی‌شوند، دخالت مردم در طرح‌ها و برنامه‌ها، نتایج رضایت‌بخشی نمی‌دهد و تنها اتلاف وقت است؛ ۲- ساختار قانونی و مالی؛ بدین صورت که از دیگر موانع مشارکت، عدم وجود ساختار قانونی و فراهم‌نبودن زمینه‌های حقوقی و قانونی برای مشارکت است. عدم پیش‌بینی موضوع و فراهم‌نبودن تسهیلات مالی و اعتباری در پروژه‌ها نیز از موانع مشارکت مردم است. بنابراین، یکی از ضرورت‌های اصلی اجرایی‌نمودن طرح‌های مشارکتی، تدوین قانون مناسب در زمینه‌های مختلف اجرایی و مالی است؛ ۳- اعتمادآفرینی؛ به‌طوری‌که جلب مشارکت ساکنان، مالکان و افراد علاقمند و ذی‌نفع در امر به‌سازی و بازآفرینی شهری، صرفاً در یک بستر شفاف، مطمئن و مملو از اعتماد متقابل تحقق می‌یابد؛ لذا ایجاد اعتماد، زمینه‌ساز اصلی مشارکت مردم در بازآفرینی شهری است و ٤- اطلاع‌رسانی و آموزش صحیح، بدین منظور که یکی دیگر از موانع مهم، عدم آگاهی متخصصین و نیز غیرمتخصصین از فواید، ضرورت و چگونگی مشارکت است. نحوه‌ی مشارکت و ابزار و روش‌های تحقق آن، نیاز به آموزش دارد. ضرورت مشارکت و ایجاد انگیزه‌ی کافی برای مشارکت و آگاهی فرد از تأثیری که می‌تواند در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

ساخت محیط داشته باشد، خواهد توانست در این راستا مفید باشد. از سویی دیگر، اطلاع‌رسانی درست در رابطه با طرح‌ها و برنامه‌های موجود نیز می‌تواند به پیش‌برد هرچه بهتر برنامه‌ها و درگیرسازی ساکنین در طرح‌ها کمک کند.

محمدی، رضویان و صرافی(۱۳۹۲) با بررسی نقش دفاتر تسهیل‌گیری در سرعت‌بخشی به شهرسازی مشارکتی در بافت‌های فرسوده‌ی منطقه‌ی ۹ تهران، استدلال می‌کنند که این دفاتر توانسته‌اند با بسترسازی، اعتمادسازی و توانمندسازی، زمینه را برای مشارکت مردم در نوسازی بافت فرسوده فراهم کنند. همچنین آن‌ها بیان می‌کنند که این دفاتر در منطقه‌ی ۹، توانسته‌اند موانع مشارکتی نظیر بروکراسی اداری را برطرف نموده و با اطلاع‌رسانی و تسهیل‌گری، موفقیت خوبی در زمینه‌ی نوسازی بافت فرسوده محدوده‌ی مورد نظر رقم بزنند. بنابراین می‌توان بیان کرد که فقدان این گونه دفاتر نیز می‌تواند سطح مشارکت را پایین آورد.

در پژوهشی جزئی‌تر که علی‌زاده اقدم و همکاران(۱۳۹۲) در زمینه‌ی رابطه‌ی میان نهادهای شهری و میزان مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر اصفهان انجام داده‌اند، به این دستاورد می‌رسند که عملکرد نهادهای شهری بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیرگذار بوده است؛ یعنی رابطه‌ی معناداری بین اعتماد نهادی و مشارکت برقرار است؛ به‌طوری‌که هرچه میزان اعتماد نهادی در جامعه بالا باشد به همان میزان بر مشارکت شهروندان در امور شهری افزوده می‌شود و بالعکس هرچه میزان اعتماد نهادی در جامعه پایین باشد به همان میزان مانع مشارکت شهروندان در امور شهری می‌گردد.

حبیبی و فروغی‌فر(۱۳۹۲) با نگاهی متفاوت، در پی یافتن راه‌کارهایی برای جلب مشارکت مردم در طرح‌های مرمت شهری بر پایه‌ی نظریه‌ی بازی نشان می‌دهند که مشارکت، نیازمند فضایی برای تعامل رودررو است و مهم‌ترین عامل ترغیب‌کننده به مشارکت، تأمین سود (مادی یا غیر مادی) حاصل از مشارکت می‌باشد. در نتیجه فقدان این امر، مانعی برای مشارکت طرفین به حساب می‌آید.

در پژوهش‌های اخیر نیز قنبری(۱۳۹۳) با بررسی تطبیقی فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان در محلات شهر تبریز، بیان می‌کند که متغیرهای جنس، نوع مالکیت، منطقه‌ی سکونت، تحصیلات، قدمت سکونت و احساس تعلق ساکنین، میزان مشارکت شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین وی استدلال می‌کند از میان این عوامل، احساس تعلق، تحصیلات و قدمت سکونت، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مشارکت شهروندان محسوب می‌شود. بنابراین نبود حس

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

تعلق ساکنین به محله‌ای که در آن سکونت دارد، تحصیلات پایین افراد جامعه و قدمت سکونت پایین آن افراد، همگی از مهم‌ترین موانع مشارکت در امور شهری هستند.

خواجه شاه‌کوهی، نجفی کانی و بابائیان(۱۳۹۳) با بررسی میزان مشارکت شهروندان حاشیه‌ی شهرهای میانی، مطالعه‌ی موردی شهر بابل؛ دریافتند که رابطه‌ی معناداری در سطح ۹۹ درصد، میان متغیرهای مستقل یعنی رضایت شهروندان از خدمات شهری، اعتماد شهروندان نسبت به مدیران، آگاهی شهروندان از برنامه‌های مدیریت شهر و تعلق اجتماعی شهروندان با متغیر وابسته، یعنی مشارکت شهروندان در امور مدیریت شهری وجود دارد. بنابراین فقدان هریک از متغیرهای فوق، مانعی برای حضور فعال شهروندان و مشارکت آن‌ها خواهد بود.

و در نهایت ماجدی، عندلیب و مشارزاده مهرابی(۱۳۹٤) در تحقیقات خود به‌طور خاص در زمینه‌ی شناسایی شاخص‌های مؤثر بر مشارکت زنان در طرح‌های توسعه‌ی شهری پژوهش‌هایی انجام دادند و دریافتند که افزایش آگاهی، بیش‌ترین تأثیر را بر میزان مشارکت زنان در امور شهری دارد. همچنین آن‌ها عوامل تحدیدکننده‌ی مشارکت زنان در توسعه‌ی شهری را بیان می‌کنند که عبارت‌اند از نابرابری فرصت‌های جنسیتی، محدودشدن زنان در ورود به قلمرو فعالیت‌های اجتماعی، سوء استفاده از نیروی کار ارزان زنانه، عدم توجه به جایگاه زن در فرهنگ‌های گوناگون، تفکیک جانب‌دارانه‌ی جنسیت‌ها و استفاده‌ی ابزاری و اسمی از مشارکت زنان در سیاست‌ها و برنامه‌های مشارکتی.

چارچوب مفهومی

مهم‌ترین موانع مشارکت شهری در ایران

همان‌طور که ملاحظه شد با مرور ادبیات موانع مشارکت شهری و با تأکید خاص بر متون داخلی و شرایط ایران، نتیجه‌ی حاصله، استخراج موانع مشارکت شهری است. به منظور ارتقاء کارایی مقاله و دوری از حشو، سعی شده است تا از میان ۳۰ مانع، کلیدی‌ترین موانع برای ارائه‌ی نتایج بهتر مشخص شود. بدین ترتیب، مطابق نظر نگارندگان، ۱۲ مانع کلیدی شناسایی شد که به شرح جدول ۱ است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جدول شماره‌ی یک- کلیدی‌ترین موانع مشارکت شهری در ایران از دیدگاه نگارندگان

عرصه	موانع
مدیریتی- حرفه‌ای	۱. دیدگاه مطلق‌گرایانه و عدم اعتقاد به مشارکت شهروندی از سوی مدیران و کارشناسان ۲. مطلع‌نکردن شهروندان از طرح‌ها و برنامه‌ها و اطلاع‌رسانی نادرست ۳. عدم توانایی برنامه‌ریزان و مدیران در برقراری ارتباط سازنده با شهروندان ٤. نگاه ابزاری به مشارکت، جهت مشروعیت‌بخشی به طرح و برنامه
ساختاری- قانونی	۵. ضعف در قوانین و مقررات مرتبط با مشارکت در حوزه‌های مالی، نظارتی و غیره ٦. ساختار برنامه‌ریزی متمرکز و آمرانه و نبود نگرش مشارکتی
نهادی- سازمانی	۷. نبود نهادهای مدنی و مردمی(NGO) فعال در زمینه‌ی مشارکت شهروندی
اجتماعی- فرهنگی	۸. کمبود آموزش‌های لازم در زمینه‌ی حقوق شهروندی و مشارکتی ۹. فقدان و پایین‌بودن سطح آگاهی مردم از حقوق شهروندی و مباحث مشارکتی ۱۰. عدم اعتماد مردم به مسئولین شهری
اقتصادی- رفاهی	۱۱. صرف مشارکت جهت تأمین اعتبار مالی طرح و برنامه و سهیم‌شدن در سود آن ۱۲. وضعیت نامناسب وضع مالی و اقتصادی جامعه‌ی کنونی

روش پژوهش

روش اصلی تحقیق، روش توصیفی- تحلیلی است. بدین صورت که بخش توصیفی آن مربوط به مرور ادبیات موانع مشارکت شهری با تأکید بر شرایط جامعه‌ی محلی ایران و بخش تحلیلی آن مربوط به به‌کارگیری روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری است. برای نیل به هدف مطرح‌شده در بخش مقدمه، این پژوهش در نظر دارد تا براساس فرآیند به‌کارگیری مدل‌سازی ساختاری تفسیری(ISM)[1] تحت محیط فازی عمل نماید. مدل‌سازی ساختاری تفسیری برای اولین بار توسط وارفیلد[2] مطرح شد که روشی برای ایجاد و فهم روابط میان عناصر یک سیستم پیچیده است (آذر، تیزرو، مقبل با عرض و انواری رستمی، ۱۳۸۹: ٦). در واقع این روش به عنوان ابزاری جهت درک و مدیریت موانع عمل نموده و به ارائه‌ی یک چارچوبی با روابط جهت‌دار و سطح‌بندی‌شده برای مسائل پیچیده پرداخته و به تصمیم‌گیران، تصویری واقعی از موقعیت متغیرهای مورد نظرشان ارائه

[1] Interpretive Structural Modeling
[2] Warfield, 1974

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

می‌دهد. فرآیند مدل‌سازی ساختاری تفسیری، شامل شناسایی موانع، تعریف روابط درونی آن‌ها و ترکیب سطح‌بندی و جهت ارتباط آن‌ها برای شفاف‌سازی مسائل پیچیده از منظر نگرش سیستمی است. (شانکار[1] و همکاران، ۲۰۱۱: ۲٤۹) از دیدگاه وارفیلد، این روش به‌طور وسیعی می‌تواند در شناسایی و تحلیل روابط متقابل میان موانع(یا عناصر) یک سیستم به‌کار رود. یکی از اصلی‌ترین منطق‌های این روش، این است که همواره عناصری که در یک سیستم، اثرگذاری بیش‌تری بر سایر عناصر دارند، از اهمیت بالاتری برخوردارند. مدلی که با استفاده از این روش به‌دست می‌آید، ساختاری از یک مسأله یا موضوع پیچیده، یک سیستم یا حوزه‌ی مطالعاتی را نشان می‌دهد که الگویی به‌دقت طراحی‌شده می‌باشد (فیروزجائیان، فیروزجائیان، هاشمی پطرودی و غلامرضازاده، ۱۳۹۲: ۱۳۸). در ادامه با استفاده از نتایج روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری[2]، به منظور تعیین قدرت نفوذ و وابستگی موانع، از روش تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و وابستگی[3] استفاده شده است تا موانع مستقل و وابسته، شناسایی شوند.

تعیین متغیرهای مدل‌سازی ساختاری تفسیری

مدل‌سازی ساختاری تفسیری با تعیین متغیرها آغاز می‌شود. در این مقاله، این متغیرها همان ۱۲ مانع کلیدی مشارکت شهری در ایران هستند که در گام قبلی مورد شناسایی قرار گرفتند(جدول ۱).

خلق ماتریس خودتعاملی ساختاری فازی[4](FSSIM)

ماتریس خودتعاملی ساختاری، ماتریسی به ابعاد متغیرها می‌باشد که سطرها و ستون‌های آن، شامل متغیرهای شناسایی‌شده می‌شود. در مدل سنتی این ماتریس با استفاده از نمادهای از پیش تعریف‌شده که گویای روابط علی و درونی متغیرها است، به تجزیه و تحلیل این روابط از دیدگاه کارشناسان خبره در زمینه‌ی مربوطه پرداخته می‌شود. تبیین این نمادگذاری به شرح زیر است:

V: متغیر سطر (i) زمینه‌ساز و سبب وجودی متغیر ستون (j) شده است.

A: متغیر ستون (j) زمینه‌ساز و سبب وجودی متغیر سطر (i) شده است.

X: بین متغیر سطر (i) و ستون (j) رابطه‌ی دوطرفه وجود دارد؛ به عبارتی هر دو متغیر، زمینه‌ساز و سبب وجودی یکدیگر شده‌اند.

[1] Shankar, Transue and Felder
[2] ISM
[3] MICMAC
[4] Fuzzy Structural Self-Interaction Matrix

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

O: هیچ نوع رابطه‌ای میان این دو متغیر (ij) وجود ندارد.

همچنین باید افزود روش‌شناسی مدل‌سازی ساختاری تفسیری، به هنگام بیان این روابط، بر استفاده از نظرات و اندیشه‌های کارشناسان خبره در زمینه‌ی مربوطه تأکید می‌ورزد که این مهم مبتنی بر تکنیک‌های مدیریتی نظیر توفان مغزها، گروه اسمی و غیره است(آتری و همکاران[1]، ۲۰۱۳: ۵) .

در مدل سنتی، سه مشکل اساسی را می‌توان بیان نمود که عبارت‌اند از:

۱. استفاده از شیوه‌ی امتیازدهی باینری(صفر و یک) در تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری سنتی به ماتریس دستیابی اولیه و در نتیجه نادیده‌گرفتن طیفی از متغیرهای زبانی.

۲. استفاده از مُد نظرات کارشناسان برای تعیین رابطه‌ی نهایی میان متغیرها بر اساس دستورالعمل وارفیلد و در نتیجه حذف نظرات بسیاری از کارشناسان.

۳. استفاده از استدلال استقرایی در خصوص سازگارنمودن روابط میان متغیرها، بدین ترتیب که اگر متغیر ۱ زمینه‌ساز متغیر ۲ و متغیر ۲ زمینه‌ساز متغیر ۳ باشد، آن‌گاه متغیر ۱ نیز زمینه‌ساز متغیر ۳ خواهد بود. در صورتی‌که به ندرت این اصل استدلال استقرایی برای پدیده‌های پیچیده‌ای همچون شهر و برنامه‌ریزی در حوزه‌ی عمومی برقرار است.

به منظور رفع مشکلات مطرح‌شده، از مزیت‌های منطق فازی استفاده شده است که به شرح زیر است:

۱. استفاده از طیف متغیرهای زبانی در بیان روابط میان متغیرها؛

۲. استفاده از میانگین فازی نظرات کارشناسان برای تعیین میزان رابطه‌ی نهایی میان متغیرها؛

۳. تعدیل استدلال استقرایی در زمینه‌ی روابط میان متغیرها، بدین ترتیب که ممکن است حالت‌های مختلفی میان متغیر ۱، ۲ و ۳ به‌وجود آید.

برای پرداختن به موضوع مقاله، از ۳ مورد فوق برای تحلیل موانع مشارکت شهری به جای روش‌های سنتی مدل‌سازی استفاده شده است. بنابراین به منظور تبیین روابط میان متغیرها از طیف هفت‌تایی استفاده شده است که در جدول شماره‌ی ۲ آمده است.

[1] Attri, Dev and Sharma

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جدول شماره‌ی دو- متغیرهای زبانی، اعداد فازی متناظر با آن‌ها و توضیح روابط میان موانع مشارکت شهری

متغیر زبانی	نماد	اعداد مثلث فازی	توضیح رابطه میان موانع مشارکت شهری
هیچ	N	□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□	مانع سطر i در به وجودآمدن مانع ستون j هیچ تأثیری نداشته است.
خیلی کم	VL	□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□	مانع سطر i در به وجودآمدن مانع ستون j تأثیر خیلی کمی داشته است.
کم	L	□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□	مانع سطر i در به وجودآمدن مانع ستون j تأثیر کمی داشته است.
متوسط	M	□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□	مانع سطر i در به وجودآمدن مانع ستون j تأثیر متوسطی داشته است.
زیاد	H	□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□	مانع سطر i در به وجودآمدن مانع ستون j تأثیر زیادی داشته است.
خیلی زیاد	VH	□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□	مانع سطر i در به وجودآمدن مانع ستون j تأثیر خیلی زیادی داشته است.
کامل	F	□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□	مانع سطر i در به وجودآمدن مانع ستون j تأثیر کامل داشته است.

در این قسمت، ماتریسی با فرمت جدول ۳ تنظیم شد و در اختیار کارشناسان خبره برنامه‌ریزی و مدیریت شهری قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا با توجه به جدول شماره۳، نوع ارتباطات دوسویه موانع را مشخص کنند. در نهایت نیز از میانگین فازی نظرات کارشناسان برای تعیین رابطه‌ی نهایی، استفاده گردید که به شرح جدول شماره‌ی ٤ در پیوست آمده است. در ادامه، ماتریس فازی جدول ۵، به ماتریسی با اعداد قطعی ارائه‌شده در جدول ۳، تبدیل شده است. باید افزود در جدول ۳ نیز دو شاخص قدرت نفوذ و پیش‌رانی[1](جمع سطر) و قدرت وابستگی[2](جمع ستون) محاسبه گردید که کاربرد آن‌ها در بخش تحلیل روش تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و وابستگی[3] ارائه شده است.

[1] Driving power
[2] Dependence power
[3] MICMAC

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جدول شماره‌ی سه- ماتریس خودتعاملی ساختاری فازی‌شده به همراه شاخص‌های قدرت محرکه و قدرت وابستگی

موانع	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	قدرت نفوذ
۱	۱.۰۰	۰.۹۶	۰.۲۹	۰.۷۴	۰.۳۴	۰.۵۶	۰.۷۱	۰.۴۷	۰.۵۵	۰.۶۳	۰.۶۲	۰.۱۴	۷.۰۱
۲	۰.۱۴	۱.۰۰	۰.۱۱	۰.۲۶	۰.۱۸	۰.۲۴	۰.۶۵	۰.۳۹	۰.۶۶	۰.۸۴	۰.۳۳	۰.۰۴	۴.۸۴
۳	۰.۷۷	۰.۸۳	۱.۰۰	۰.۵۶	۰.۱۱	۰.۴۸	۰.۳۴	۰.۳۴	۰.۳۷	۰.۷۷	۰.۶۵	۰.۰۲	۶.۲۴
٤	۰.۴۵	۰.۹۲	۰.۳۶	۱.۰۰	۰.۱۱	۰.۳۶	۰.۶۵	۰.۸۰	۰.۲۹	۰.۸۴	۰.۹۳	۰.۱۰	۶.۸۱
٥	۰.۴۵	۰.۹۳	۰.۵۰	۰.۸۶	۱.۰۰	۰.۶۹	۰.۶۸	۰.۸۳	۰.۴۹	۰.۳۴	۰.۸۹	۰.۰۵	۷.۷۱
٦	۰.۹۷	۰.۹۴	۰.۵۶	۰.۹۲	۰.۴۰	۱.۰۰	۰.۸۷	۰.۷۴	۰.۷۰	۰.۸۷	۰.۸۳	۰.۰۸	۸.۸۸
۷	۰.۴۴	۰.۷۴	۰.۵۴	۰.۳۲	۰.۴۴	۰.۲۸	۱.۰۰	۰.۸۴	۰.۹۰	۰.۲۳	۰.۲۳	۰.۰۹	۶.۰۵
۸	۰.۸۳	۰.۶۲	۰.۶۲	۰.۵۰	۰.۱۰	۰.۵۰	۰.۴۶	۱.۰۰	۰.۹۴	۰.۷۴	۰.۷۴	۰.۰۶	۷.۱۱
۹	۰.۷۸	۰.۴۹	۰.۲۷	۰.۸۰	۰.۲۸	۰.۳۹	۰.۶۸	۰.۱۷	۱.۰۰	۰.۵۵	۰.۸۶	۰.۰۶	۶.۳۳
۱۰	۰.۰۶	۰.۵۶	۰.۱۲	۰.۳۴	۰.۱۱	۰.۱۱	۰.۳۲	۰.۲۰	۰.۶۲	۱.۰۰	۰.۲۸	۰.۰۵	۳.۷۷
۱۱	۰.۳۲	۰.۸۳	۰.۲۰	۰.۸۶	۰.۲۸	۰.۳۰	۰.۲۰	۰.۲۱	۰.۲۶	۰.۸۸	۱.۰۰	۰.۰۱	۵.۳۵
۱۲	۰.۲۰	۰.۰۲	۰.۱۱	۰.۲۰	۰.۰۲	۰.۰۲	۰.۶۵	۰.۵۰	۰.۵۶	۰.۵۰	۰.۸۳	۱.۰۰	۴.۶۱
قدرت وابستگی	۶.۴۱	۸.۸۴	۴.۶۸	۷.۳۶	۳.۳۷	۴.۹۳	۷.۲۱	۶.۴۹	۷.۳۴	۸.۱۹	۸.۱۹	۱.۷۰	

جدول شماره چهار- ماتریس خودتعاملی ساختاری فازی بدست آمده از میانگین نظرات خبرگان

	۱			۲			۳			۴			۵			۶			۷			۸			۹			۱۰			۱۱			۱۲		
	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳	a۱	a۲	a۳
۱	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۸۴	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۴۶	۰.۶۰	۰.۷۶	۰.۸۴	۰.۱۸	۰.۳۴	۰.۵۰	۰.۴۴	۰.۵۶	۰.۶۸	۰.۵۴	۰.۷۴	۰.۸۲	۰.۳۰	۰.۴۶	۰.۶۶	۰.۴۰	۰.۵۶	۰.۶۸	۰.۵۰	۰.۶۲	۰.۷۸	۰.۴۸	۰.۶۴	۰.۷۲	۰.۲۲	۰.۰۶	۰.۱۴	۰.۲۲
۲	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۳۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۱۸	۰.۲۰	۰.۲۴	۰.۳۶	۰.۱۲	۰.۱۶	۰.۲۸	۰.۲۰	۰.۲۴	۰.۳۸	۰.۴۶	۰.۶۶	۰.۸۲	۰.۲۸	۰.۴۰	۰.۴۸	۰.۵۰	۰.۶۶	۰.۸۲	۰.۷۰	۰.۸۶	۰.۹۴	۰.۳۲	۰.۳۴	۰.۴۲	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۸
۳	۰.۶۰	۰.۸۰	۰.۸۸	۰.۶۴	۰.۸۴	۱.۰۰	۰.۴۴	۰.۵۶	۰.۶۸	۰.۲۶	۰.۴۸	۰.۶۰	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۱۸	۰.۳۶	۰.۴۸	۰.۶۰	۰.۱۸	۰.۳۴	۰.۵۰	۰.۱۸	۰.۳۴	۰.۵۰	۰.۲۲	۰.۳۸	۰.۵۰	۰.۵۸	۰.۷۸	۰.۹۴	۰.۴۶	۰.۶۶	۰.۸۲	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸
۴	۰.۳۴	۰.۴۶	۰.۵۴	۰.۷۶	۰.۹۶	۱.۰۰	۰.۲۴	۰.۳۶	۰.۴۸	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۳۶	۰.۴۶	۰.۶۶	۰.۸۲	۰.۶۳	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۴۶	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۴۶	۰.۷۰	۰.۸۶	۰.۹۴	۰.۸۰	۰.۹۶	۱.۰۰	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۱۴
۵	۰.۳۶	۰.۴۴	۰.۵۶	۰.۸۰	۰.۹۶	۱.۰۰	۰.۳۰	۰.۵۰	۰.۷۰	۰.۶۸	۰.۸۸	۱.۰۰	۰.۱۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۵۴	۰.۷۰	۰.۸۲	۰.۵۲	۰.۶۸	۰.۸۴	۰.۳۴	۰.۵۰	۰.۶۲	۰.۲۴	۰.۳۸	۰.۴۸	۰.۲۴	۰.۳۲	۰.۴۸	۰.۷۲	۰.۹۲	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۴	۰.۱۲
۶	۰.۸۸	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۸۴	۰.۹۶	۱.۰۰	۰.۳۶	۰.۵۶	۰.۷۶	۰.۷۶	۰.۹۶	۱.۰۰	۰.۲۴	۰.۴۰	۰.۵۶	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۷۳	۰.۸۸	۱.۰۰	۰.۵۴	۰.۷۴	۰.۹۴	۰.۵۶	۰.۷۲	۰.۸۰	۰.۷۲	۰.۸۸	۱.۰۰	۰.۶۴	۰.۸۴	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۱۶
۷	۰.۲۸	۰.۴۴	۰.۶۰	۰.۵۶	۰.۷۶	۰.۸۸	۰.۳۶	۰.۵۴	۰.۷۲	۰.۱۸	۰.۳۰	۰.۵۰	۰.۲۴	۰.۴۴	۰.۶۴	۰.۱۲	۰.۳۸	۰.۴۴	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۶۸	۰.۸۴	۱.۰۰	۰.۷۶	۰.۹۲	۱.۰۰	۰.۱۲	۰.۳۰	۰.۴۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۲۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۲۰
۸	۰.۶۶	۰.۸۶	۰.۹۴	۰.۴۲	۰.۶۲	۰.۸۳	۰.۴۲	۰.۶۲	۰.۸۳	۰.۳۴	۰.۵۰	۰.۶۶	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۲۴	۰.۳۴	۰.۵۰	۰.۶۶	۰.۳۰	۰.۴۶	۰.۶۲	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۸۴	۰.۹۶	۱.۰۰	۰.۵۴	۰.۷۴	۰.۹۴	۰.۰۰	۰.۰۴	۰.۱۶	۰.۰۰	۰.۰۴	۰.۱۶
۹	۰.۶۲	۰.۷۸	۰.۹۴	۰.۳۴	۰.۴۸	۰.۶۶	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۳۸	۰.۶۰	۰.۸۰	۱.۰۰	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۴۲	۰.۳۲	۰.۴۰	۰.۴۴	۰.۴۸	۰.۶۸	۰.۸۸	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۵۴	۰.۷۴	۰.۹۴	۰.۵۴	۰.۷۴	۰.۹۴	۰.۰۰	۰.۰۴	۰.۱۶	۰.۰۰	۰.۰۴	۰.۱۶
۱۰	۰.۰۰۰	۰.۰۴	۰.۱۶	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۲۶	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۲۲	۰.۲۴	۰.۳۲	۰.۴۸	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۱۸	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۱۸	۰.۱۲	۰.۲۰	۰.۲۸	۰.۱۲	۰.۲۰	۰.۳۲	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۴۲	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۴۲	۰.۰۰	۰.۰۴	۰.۱۲	۰.۰۰	۰.۰۴	۰.۱۲
۱۱	۰.۱۸	۰.۲۰	۰.۵۰	۰.۶۴	۰.۸۴	۱.۰۰	۰.۱۲	۰.۲۰	۰.۲۸	۰.۷۰	۰.۹۰	۰.۹۴	۰.۱۸	۰.۲۶	۰.۴۲	۰.۱۸	۰.۳۰	۰.۴۲	۰.۱۲	۰.۲۰	۰.۳۲	۰.۱۲	۰.۱۸	۰.۳۸	۰.۰۶	۰.۱۸	۰.۳۴	۰.۰۶	۰.۱۸	۰.۳۴	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰
۱۲	۰.۱۲	۰.۲۰	۰.۲۸	۰.۱۰	۰.۲۰	۰.۴۰	۰.۱۲	۰.۲۰	۰.۲۸	۰.۰۶	۰.۱۰	۰.۱۸	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۸

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

خلق ماتریس دستیابی[1]

در مدل سنتی، ماتریس خودتعاملی از طریق تفسیر نمادها به اعداد باینری صفر و یک به ماتریس دستیابی تبدیل می‌گردید تا از حالت سازگار شده این ماتریس در تعیین سطوح و اولویت‌بندی متغیرها استفاده شود. بدین صورت که (آتری و همکاران، ۲۰۱۳، ٦) :

اگر خانه (i, j) در SSIM نماد V باشد، آنگاه در RM عدد یک می‌شود و خانه‌ی قرینه آن یعنی (j, i) عدد صفر می‌شود.

اگر خانه (i, j) در SSIM نماد A باشد، آن‌گاه در RM عدد صفر می‌شود و خانه‌ی قرینه‌ی آن یعنی (j, i) عدد یک می‌شود.

اگر خانه (i, j) در SSIM نماد X باشد، آن‌گاه در RM عدد یک می‌شود و خانه‌ی قرینه‌ی آن یعنی (j, i) نیز عدد یک می‌شود.

اگر خانه (i, j) در SSIM نماد O باشد، آن‌گاه در RM عدد صفر می‌شود و خانه‌ی قرینه‌ی آن یعنی (j, i) نیز عدد صفر می‌شود.

اکنون در رویکرد فازی نیز به منظور تبدیل ماتریس خودتعاملی دی فازی(جدول ۳) به ماتریس دستیابی نهایی، کافی است اعداد قطعی جدول ۳ را با استفاده از تابع زیر به اعداد صفر و یک تبدیل کرد(جدول ۵).

$$f(x) = \begin{cases} 0, & 0 \le x < 0.5 \\ 1, & 0.5 \le x \le 1 \end{cases}$$

[1] Reachability Matrix

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جدول شماره‌ی پنج- ماتریس دستیابی

موانع	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰
۲	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰
۳	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰
٤	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰
٥	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰
٦	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰
۷	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰
۸	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰
۹	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰
۱۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰
۱۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰
۱۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱

سطح‌بندی و اولویت‌بندی متغیرها

در این بخش، با استفاده از ماتریس دستیابی، متغیرها بر اساس مجموعه‌ی دستیابی[1] و مجموعه‌ی پیش‌نیاز[2]، تعیین سطح و اولویت‌بندی می‌شوند. مجموعه‌ی دستیابی هر متغیر که همان موانع هستند، شامل متغیرهایی می‌شود که از طریق این متغیر می‌توان به آن‌ها رسید و مجموعه‌ی پیش نیاز، شامل متغیرهایی می‌شود که از طریق آن‌ها می‌توان به این متغیر رسید. همچنین عناصر مشترک نیز برای هر متغیر مورد شناسایی قرار می‌گیرند. با به‌دست‌آمدن این مجموعه‌ها، اکنون نوبت به تعیین سطح این متغیرها می‌رسد. در تعیین سطح، متغیری که مجموعه‌ی دستیابی با مجموعه‌ی مشترک آن، هم‌پوشانی کامل دارد، در بالاترین سطح قرار می‌گیرد. سپس در تکرار بعدی، اعداد آن از تمامی سطرها حذف شده و هم‌پوشانی دوم اعمال می‌شود؛ به همین ترتیب نیز سایر متغیرها سطح‌بندی خواهند شد. نتایج این مرحله در جداول ٦ الی ۱۱ آمده است.

[1] Reachability set
[2] Antecedent set

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جدول شماره‌ی شش- تعیین سطوح متغیرها در اولین تکرار

متغیرها	مجموعه دست یابی	مجموعه پیش نیاز	مجموعه مشترک	سطح
۱	۱،۲،۴،۶،۷،۹،۱۰،۱۱	۱،۳،۶،۸،۹	۱،۶،۹	
۲	۲،۷،۹،۱۰	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱	۲،۷،۱۰	
۳	۱،۲،۳،۴،۱۰،۱۱	۳،۵،۶،۸	۳،۶	
٤	۲،۴،۷،۸،۱۰،۱۱	۱،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۱	۴،۸،۱۱	
٥	۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۱	٥	٥	
٦	۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱	۱،۵،۶،۸	۱،۶،۸	
۷	۲،۷،۸،۹	۱،۲،۴،۵،۶،۷،۹،۱۲	۲،۷،۹	
۸	۱،۲،۳،۴،۶،۸،۹،۱۰،۱۱	۴،۵،۶،۷،۸	۴،۶،۸	
۹	۱،۴،۷،۹،۱۰،۱۱	۱،۲،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۲	۱،۷،۹،۱۰	
۱۰	۲،۹،۱۰	۱،۲،۳،۴،۶،۸،۱۰،۱۱،۱۲	۲،۹،۱۰	۱
۱۱	۲،۴،۱۰،۱۱	۱،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۱،۱۲	۴،۱۱	
۱۲	۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲	۱۲	۱۲	

جدول شماره‌ی هفت- تعیین سطوح متغیرها در دومین تکرار

متغیرها	مجموعه دست یابی	مجموعه پیش نیاز	مجموعه مشترک	سطح
۱	۱،٤،٦،۷،۱۱	۱،۳،٦،۸	۱،٦	
۲	۷	۱،۳،٤،٥،٦،۷،۸،۱۱	۷	
۳	۱،۳،٤،۱۱	۳،٥،٦،۸	۳،٦	
٤	٤،۷،۸،۱۱	۱،۳،٤،٥،٦،۸،۱۱	٤،۸،۱۱	
٥	۳،٤،٥،٦،۷،۸،۱۱	٥	٥	۲
٦	۱،۳،٤،٦،۷،۸،۱۱	۱،٥،٦،۸	۱،٦،۸	
۷	۷،۸	۱،٤،٥،٦،۷،۱۲	۷	
۸	۱،۳،٤،٦،۸،۱۱	٤،٥،٦،۷،۸	٤،٦،۸	
۹	۱،٤،۷،۱۱	۱،٦،۷،۸،۱۲	۱،۷	
۱۱	٤،۱۱	۱،۳،٤،٥،٦،۸،۱۱،۱۲	٤،۱۱	
۱۲	۷،۸،۱۱،۱۲	۱۲	۱۲	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

جدول شماره‌ی هشت- تعیین سطوح متغیرها در سومین تکرار

متغیرها	مجموعه دست یابی	مجموعه پیش نیاز	مجموعه مشترک	سطح
۱	۱،۶	۱،۳،۶،۸	۱،۶	۳
۳	۱،۳	۳،۵،۶،۸	۳،۶	
٤	۸	۱،۳،۵،۶،۸	۸	۳
٥	۳،۵،۶،۸	۵	۵	
٦	۱،۳،۶،۸	۱،۵،۶،۸	۱،۶،۸	
۷	۸	۱،۵،۶،۱۲		
۸	۱،۳،۶،۸	۵،۶،۸	۶،۸	
۹	۱	۱،۶،۸،۱۲	۱	۳
۱۲	۸،۱۲	۱۲	۱۲	

جدول شماره‌ی نه- تعیین سطوح متغیرها در چهارمین تکرار

متغیرها	مجموعه دست یابی	مجموعه پیش نیاز	مجموعه مشترک	سطح
۳	۳	۳،۵	۳	٤
٥	۳،۵	۵	۵	
٦	۳	۵		
۷		۵،۱۲		٤
۸	۳	۵		
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	٤

جدول شماره‌ی ده- تعیین سطوح متغیرها در پنجمین تکرار

متغیرها	مجموعه دست یابی	مجموعه پیش نیاز	مجموعه مشترک	سطح
٥	۵	۵	۵	٥
٦		۵		٥
۸		۵		٥

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

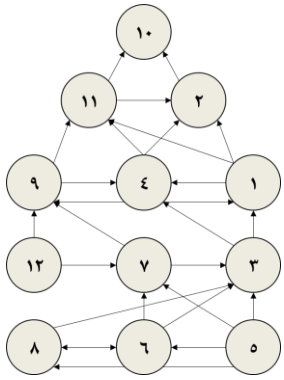
جدول شماره‌ی یازده- سطوح متغیرهای موانع مشارکت شهری

متغیرها	مجموعه دست یابی	مجموعه پیش نیاز	مجموعه مشترک	سطح
۱	۱،۲،۴،۶،۷،۹،۱۰،۱۱	۱،۳،۶،۸،۹	۱،۶،۹	۳
۲	۲،۷،۹،۱۰	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱	۲،۷،۱۰	۲
۳	۱،۲،۳،۴،۱۰،۱۱	۳،۵،۶،۸	۳،۶	٤
٤	۲،۴،۷،۸،۱۰،۱۱	۱،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۱	۴،۸،۱۱	۳
٥	۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۱	٥	٥	٥
٦	۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱	۱،۵،۶،۸	۱،۶،۸	٥
۷	۲،۷،۸،۹	۱،۲،۴،۵،۶،۷،۹،۱۲	۲،۷،۹	٤
۸	۱،۲،۳،۴،۶،۸،۹،۱۰،۱۱	۴،۵،۶،۷،۸	۴،۶،۸	٥
۹	۱،۴،۷،۹،۱۰،۱۱	۱،۲،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۲	۱،۷،۹،۱۰	۳
۱۰	۲،۹،۱۰	۱،۲،۳،۴،۶،۸،۱۰،۱۱،۱۲	۲،۹،۱۰	۱
۱۱	۲،۴،۱۰،۱۱	۱،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۱،۱۲	۴،۱۱	۲
۱۲	۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲	۱۲	۱۲	٤

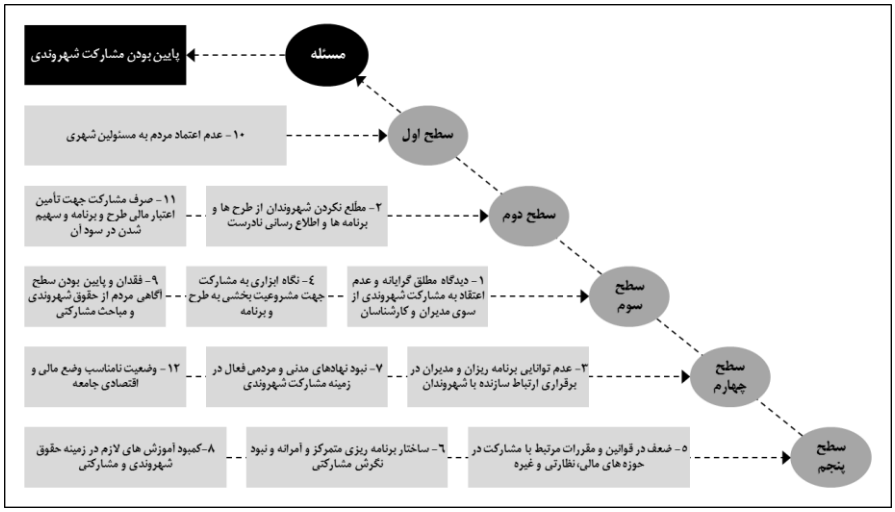
ترسیم مدل روابط علّی

در این بخش، پس از تعیین روابط و سطح‌بندی متغیرها (موانع مشارکت شهری) نوبت به ترسیم نمودار این روابط می‌رسد. به همین منظور موانع به ترتیب سطح آن‌ها از بالا به پایین مرتب شده و روابط میان آن‌ها ترسیم می‌شود(شکل ۱). در گام بعد ناسازگاری کلی میان این روابط بر اساس نظارت کارشناسی کنترل می‌شود و در صورت عدم وجود ناسازگاری، مدل نهایی ترسیم خواهد شد. در این مقاله این روال طی شده است و ناسازگاری میان روابط به لحاظ محتوایی مشاهده نشده است؛ لذا مدل نهایی ساختاری تفسیری موانع مشارکت شهری مطابق با شکل ۲ تحت عنوان پلکان موانع مشارکت شهری می‌باشد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]



شکل شماره یک- نمودار روابط میان موانع مشارکت شهری



شکل شماره‌ی دو- پلکان موانع مشارکت شهری مبتنی بر ISM

تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ- وابستگی(MICMAC)

این بخش از مدل، مربوط به کاربرد تحلیل ماتریس اثر ضرب ارجاع متقابل کاربردی[1] می‌باشد که اولین بار توسط دوپرین و گادت[2] برای تجزیه و تحلیل میزان قدرت نفوذ(اثرگذاری) و قدرت وابستگی متغیرهای به‌دست‌آمده از ماتریس جدول ۳ تدوین گردید(شانکار و همکاران، ۲۰۱۱:

[1] Impact Matrix Cross-Reference Multiplication Applied to a Classification
[2] Duperrin and Godet, 1973

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

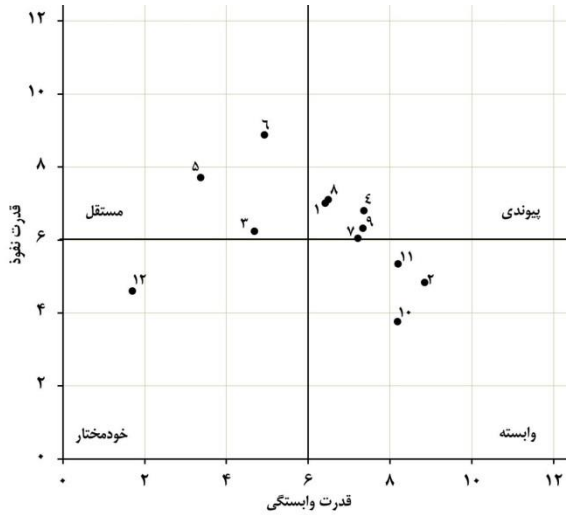
۲۵۰). در این تجزیه و تحلیل، متغیرها بر حسب قدرت نفوذ و وابستگی به چهار دسته تقسیم می-شوند که عبارت‌اند از(مروتی و اسدیان، ۱۳۹۳: ۷۸):

خودمختار[1]: عواملی که قدرت نفوذ و وابستگی کم دارند (**I**).

وابسته[2]: عواملی که قدرت نفوذ کم ولی وابستگی زیاد دارند (**II**).

پیوندی[3]: عواملی که قدرت نفوذ و وابستگی زیاد دارند (**III**).

مستقل[4]: عواملی که قدرت نفوذ زیاد ولی وابستگی کم دارند (**IV**).



شکل شماره‌ی سه- نمودار قدرت نفوذ – وابستگی

نتیجه‌گیری

یافته‌های اصلی این مقاله در دو شکل اصلی پلکان موانع مشارکت شهری(شکل ۲) و نمودار قدرت نفوذ و وابستگی(شکل ۳) نمایان شده است. بنابراین تحلیل یکپارچه‌ی این دو محصول، نتایج اصلی این مقاله را تشریح می‌کند. مطابق با شکل ۱ که سطح‌بندی موانع مشارکت شهری را نشان می‌دهد، در پایه‌ای‌ترین سطح پلکان یعنی سطح پنجم، سه مانع ساختار برنامه‌ریزی متمرکز و

[1] Autonomous
[2] Dependent
[3] Linkage
[4] Independent

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

آمرانه و نبود نگرش مشارکتی(٦)، ضعف در قوانین و مقررات مرتبط با مشارکت در حوزه‌های مالی و نظارتی(۵) و کمبود آموزش‌های لازم در زمینه‌ی حقوق شهروندی و مشارکتی(۸) به عنوان ریشه‌ای‌ترین موانع مشارکت شهری تعیین شده‌اند؛ به‌طوری‌که موانع ۵ و ٦ به عنوان متغیرهای مستقل با قدرت نفوذ بالا و مانع ۸ به عنوان یک متغیر پیوندی با قدرت نفوذ و وابستگی بالا عمل می‌کنند. در سطح چهارم پلکان، موانع وضعیت نامناسب وضع مالی و اقتصادی جامعه‌ی کنونی(۱۲) به عنوان یک متغیر خودختار، نبود نهادهای مدنی و مردمی(NGO) فعال در زمینه‌ی مشارکت شهروندی(۷) به عنوان یک متغیر پیوندی و عدم توانایی برنامه‌ریزان و مدیران در برقراری ارتباط سازنده با شهروندان(۳) به عنوان یک متغیر مستقل تعیین شده‌اند. سطح سوم پلکان نیز از سه مانع دیدگاه مطلق‌گرایانه و عدم اعتقاد به مشارکت شهروندی از سوی مدیران و کارشناسان(۱)، نگاه ابزاری به مشارکت جهت مشروعیت‌بخشی به طرح و برنامه(٤) و فقدان و پایین‌بودن سطح آگاهی مردم از حقوق شهروندی و مباحث مشارکتی(۹) تشکیل شده است که در آن هر سه مانع جزیی از متغیرهای پیوندی هستند. در سطح دوم پلکان، دو مانع صرف مشارکت جهت تأمین اعتبار مالی طرح و برنامه و سهیم‌شدن در سود آن(۱۱) و مطلع‌نکردن شهروندان از طرح‌ها و برنامه‌ها و اطلاع‌رسانی نادرست(۲) که هر دو جزیی از متغیرهای وابسته هستند، مشخص شده‌اند. در نهایت در بالاترین سطح پلکان، مانع عدم اعتماد مردم به مسئولین شهری(۱۰) به عنوان یک متغیر مستقل با قدرت وابستگی بالا نقش بازی می‌کند.

چنان‌چه از ماهیت موانع سطح پنجم، دوم و اول برمی‌آید، ریشه‌ی اصلی مشکلات در زمینه‌ی مشارکت شهری که منجر به اطلاع‌رسانی نادرست و در نهایت منجر به بی‌اعتمادی مردم به مسئولین می‌شود با سه عرصه‌ی کلان نظام برنامه‌ریزی، قوانین و آموزش مرتبط است؛ بدین صورت که این سه عرصه با نفوذ قوی در موانع سطوح چهارم و سوم، موانع سطح دوم و اول را رقم زده‌اند. بنابراین با نگاهی به نمودار شکل ۳، بحث اصلی را می‌توان در دو حوزه‌ی ساختار برنامه‌ریزی متمرکز به عنوان مستقل‌ترین متغیر و اطلاع‌رسانی ناردست به عنوان وابسته‌ترین متغیر در بین متغیرهای موجود مورد بررسی قرار داد. در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی در برنامه‌ریزی، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که در این بین، مقاله‌ی جان فورستر[1] تحت عنوان «برنامه‌ریزی در مواجه با قدرت» را می‌توان به عنوان یک نمونه‌ی عالی در جهت تأیید نتایج فوق

[1] Forester, 1982

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

در ایران مورد توجه قرار داد. در مقاله‌ی وی اطلاع‌رسانی به عنوان یک منشأ قدرت در برنامه‌ریزی مطرح شده و ارزیابی از آن در پنج دیدگاه فن‌گرا[۱]، عمل‌گرایی اندک‌افزا[۲]، حمایتی ـ لیبرال[۳]، ساختارگرا[٤] و ترقی‌خواه[٥] صورت پذیرفته است. همچنین وی انواع اطلاع‌رسانی نادرست را در دو دسته‌ی کلان اجتناب‌ناپذیر[٦] یا غیرضروری[۷]، برنامه‌ریزی‌نشده[۸] یا نظام‌مند[۹]جای داده است.

با بررسی‌های صورت‌گرفته، می‌توان شرایط محلی ایران را با توجه به داشتن ساختاری متمرکز و عمل‌کردگرا در ترکیبی از دو نگرش عمل‌گرایی اندک‌افزا و ساختارگرا دانست. از دیدگاه فورستر، اطلاع‌رسانی نادرست در نگرش عمل‌گرایی اندک‌افزا می‌تواند در راستای پاسخ به نیازهای سازمانی و وابستگی بازیگران مختلف سازمانی به یکدیگر به خاطر اطلاعات کلیدی رخ دهد و در نگرش ساختارگرا نیز در راستای مشروعیت‌بخشی و توجیه عقلانی حفظ ساختارهای موجود قدرت و ساکت نگه‌داشتن مردم و محافظه‌کاری از قدرت موجود که در هر دو مورد، اطلاع‌رسانی نادرست عمدتاً به صورت نظام‌مند اتفاق می‌افتد.

به‌طور مثال اطلاع‌رسانی شهروندان از حق و حقوق، مسئولیت‌ها و گزینه‌های‌شان می‌تواند اولین و مهم‌ترین گام به سوی مشروعیت‌بخشی مشارکت شهروندان باشد؛ اما در ساختارهای متمرکزی هم‌چون ایران، غالباً اطلاع‌رسانی با یک جریان یک‌سویه‌ی اطلاعات ـ از مقامات به شهروندان ـ بدون ارائه‌ی هیچ راهی برای بازخورد و هیچ قدرتی برای مذاکره، مورد تأکید قرار گرفته است. تحت این شرایط، مخصوصاً زمانی که اطلاعات در مراحل آخر برنامه‌ریزی ارائه شود، مردم فرصت اندکی برای تأثیرگذاری در برنامه‌های طرح‌ریزی‌شده برای «منافع‌شان» خواهند داشت. بیش‌ترین ابزارهای استفاده‌شده برای چنین ارتباطات یک‌سویه‌ای، رسانه‌های خبری، بروشورها، پوسترها و پاسخ به استعلامات هستند. حتی جلسات نیز می‌توانند از طریق ارائه‌ی اطلاعات صوری و سطحی، مأیوس‌کردن سؤالات یا دادن پاسخ‌های نامربوط به ابزاری برای

[1] technician
[2] incremental pragmatist
[3] liberal advocate
[4] structuralist
[5] progressive
[6] inevitable
[7] unnecessary
[8] ad hoc
[9] Systematic

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

ارتباطات یک‌سویه تبدیل شوند که در نهایت تمامی این موارد موجب به‌وجودآمدن و تقویت حس بی‌اعتمادی مردم به مسئولین گردد.

با در نظر گرفتن این که نظام شهرسازی کشور از ساختار قدرت متمرکز پیروی می‌کند؛ مشارکت در تصمیم‌سازی جایگاهی نداشته و تنها تصمیم‌گیری به صورت دستور از بالا، صورت میگیرد. تحت این شرایط می‌توان بیان نمود اطلاع‌رسانی نادرست و تحریف ارتباطات در طرح‌ها، بیش‌تر در دو نوع نظام‌مند و برنامه‌ریزی‌نشده رخ می‌دهد؛ تحریفات نظام‌مند از سوی دستگاه‌های برنامه‌ریزی (دولت و سازمان‌های ذی‌ربط، سازمان‌های محلی، شورای شهر، شهرداری‌ها، مشاور و برنامه‌ریز) و تحریفات برنامه‌ریزی‌نشده از سوی مشاوران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و توسعه‌دهندگان؛ اما نوع سومی از تحریف در اطلاع‌رسانی را می‌توان به‌طور اخص برای شرایط ایران به‌کار برد: "تحریف ریشه‌ای". این تحریف به علت عدم آگاهی شهروندان از محیط زندگی اطراف رخ می‌دهد. تحریفی ناشی از بی‌تفاوتی، بی‌خیالی، بی‌سوادی شهری و سودجویی. این تحریف ریشه‌ای، زمینه‌ی گسترده‌ای را برای تحریفات سیستمی فراهم می‌کند. زمینه‌ای که به‌راحتی در حکومت‌های متمرکزی چون ایران، پاسخ مثبت می‌دهد. بدین سان منشأ تحریفات ارتباطی و اطلاع‌رسانی نادرست در شرایط جامعه‌ی محلی ایران عبارت‌اند از: نظام‌مند، برنامه‌ریزی‌نشده و ریشه‌ای. بنابراین تحریف ریشه‌ای بازتاب عدم آگاهی شهروندان است که برطرف‌نمودن آن در گرو آموزش است؛ آموزشی که خود به عنوان یک متغیر مستقل در پایین‌ترین سطح پلکان قرار گرفته است؛ اعم از آموزش شهروندی، آموزش برنامه‌ریزی و آموزش مدیریتی با رویکرد فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی. بااین‌حال، برای رسیدن به مشارکت واقعی در ایران، می‌بایست مبحث آموزش و اطلاع‌رسانی را جدی پنداشت؛ زیرا اطلاع‌رسانی می‌تواند سکوی پرتابی به سوی مشارکت واقعی باشد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

منابع

۱. آذر، عادل، تیزرو، علی، مقبل با عرض، علی و انواری رستمی، علی (۱۳۸۹) «طراحی مدل چابکی زنجیره‌ی تأمین؛ رویکرد مدل‌سازی تفسیری ساختاری. مدرس (علوم انسانی)»، **پژوهش‌های مدیریت در ایران**، دوره‌ی ١٤، شماره‌ی ٤: ۲۵- ۱.

۲. امین‌زاده، بهناز و رضابیگی ثانی، راضیه (۱۳۹۱) «ارزیابی جایگاه مشارکت در طرح‌های منظر شهری به منظور ارائه‌ی فرآیند مناسب بازآفرینی بافت‌های آسیب‌دیده»، **نشریه‌ی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی**، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۳: ۳۹-۲۹.

۳. انجمن شهرسازی آمریکا (١٣٨٦) **استانداردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری انجمن شهرسازی آمریکا: تهیه و طرح و انواع طرح‌ها**، ترجمه‌ی جامعه‌ی مهندسان مشاور ایران، تهران: انتشارات شابک.

٤. پیربابایی، محمدتقی و شهانقی، امیرواعظ (۱۳۸۵) **مبانی و چشم‌انداز شهرسازی مشارکتی در به‌سازی و ساماندهی معضلات شهری**. تبریز: دانشگاه هنر.

۵. پورجعفر، محمدرضا و اردستانی، زهرا السادات (۱۳۸۷) **جایگاه مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده‌ی شهری**، اولین همایش به‌سازی و نوسازی بافت‌های فرسوده‌ی شهری، مشهد مقدس.

٦. حبیبی، سید محسن، سعیدی رضوانی، نوید (١٣٨٤) «شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران»، **نشریه‌ی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی**»، شماره‌ی ٢٤: ٢٤-١٥.

۷. حبیبی، سید محسن، فروغی‌فر، مهران (۱۳۹۲) «یافتن راه‌کارهایی برای جلب مشارکت مردم در طرح‌های مرمت شهری بر پایه‌ی نظریه‌ی بازی»، **نشریه‌ی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی**، دوره‌ی ۱۸، شماره‌ی ٤: ١٤-۵.

۸. حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میر نجف (۱۳۸۵) «تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرهای ایران»، **فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی**، شماره‌ی ۸۰: ١٣٦- ١٢١.

۹. خادم‌الحسینی، احمد و عارفی‌پور، صفیه (۱۳۹۱) «شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری»، **فصل‌نامه‌ی چشم‌انداز جغرافیایی(مطالعات انسانی)**، سال هفتم، شماره‌ی ۱۹: ۱۲۳- ۱۰۸.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

۱۰.خواجه شاه‌کوهی، علیرضا، نجفی کانی، علی اکبر و بابائیان، طاهره (۱۳۹۳) «بررسی میزان مشارکت شهروندان حاشیه‌ی شهرهای میانی در مدیریت شهری مطالعه‌ی موردی شهر بابل»، **مجله‌ی آمایش جغرافیایی فضا دانشگاه گلستان**، سال چهارم، شماره‌ی ۱۲: ۱۸-۱.

۱۱.زارعی، حسین (۱۳۷۸) «بررسی موانع مشارکت در نظام اداری ایران»، **مجله‌ی تحول اداری**، دوره‌ی ٦، شماره‌ی ٢٤ و ٢٥: ۹۰-۷۵.

۱۲.علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸) «اعتماد و مشارکت: بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۲: ۱۳۵- ۱۰۹.

۱۳.علی‌زاده، کتایون، رضوی‌نژاد، مرتضی و رادفر، مینا (۱۳۹۲) «بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره‌ی امور شهری نمونه‌ی موردی منطقه‌ی ۱۰ شهرداری مشهد»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات برنامه‌ریزی شهری**، سال اول، شماره‌ی ۱: ۸۷- ٦۱.

١٤.علی‌زاده اقدم، محمدباقر، عباس‌زاده، محمد، کوهی، کمال و مختاری، داوود (۱۳۹۲) «نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهری مطالعه‌ی موردی شهر اصفهان»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره‌ی ٤٥، شماره‌ی ۲: ٢١٤- ۱۹۵.

۱۵.غفاری، غلامرضا و جمشیدزاده، ابراهیم (۱۳۹۰) **مشارکت‌های مردمی و امور شهری(بررسی موانع، مشکلات و راه‌کارهای توسعه‌ی مشارکت‌های مردمی)**، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.

١٦.فیروزجائیان، علی اصغر، فیروزجائیان، مجتبی، هاشمی پطرودی، سید حمید و غلامرضازاده، فاطمه (۱۳۹۲) «کاربرد تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری(ISM) در مطالعات گردش‌گری (تحلیلی با رویکرد آسیب‌شناسانه)»، **مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردش‌گری**، سال دوم، شماره‌ی ٦: ۱۵۹- ۱۲۹.

۱۷.فلاح‌زاده، سجاد و محمودی، فرزین (١٣٩٤) «اولویت‌بندی سیاست‌های مشارکتی در بازآفرینی شهری با تأکید بر احتمال وقوع ناسازگاری میان بهره‌وران مطالعه‌ی موردی: برنامه‌ی بازآفرینی بافت قدیم آمل»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات شهری**، شماره‌ی ۱۵: ١٦-۵.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

۱۸. قنبری، ابوالفضل (۱۳۹۳) «بررسی تطبیقی فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان مطالعه‌ی موردی محلات شهر تبریز»، **نشریه‌ی علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی**، سال هجدهم، شماره‌ی ٤٨: ٢٤٣- ٢١١.

۱۹. ماجدی، حمید، عندلیب، علیرضا و مشارزاده مهرابی، زهرا (۱۳۹٤) «شناسایی شاخص‌های مؤثر بر مشارکت زنان در طرح‌های توسعه‌ی شهری»، **باغ نظر**، سال دوازدهم، شماره‌ی ۳۲: ۱۲-۳.

۲۰. محمدی، کاوه، رضویان، محمد تقی و صرافی، مظفر (۱۳۹۲) «نقش دفاتر تسهیل‌گری در سرعت‌بخشی به شهرسازی مشارکتی در بافت‌های فرسوده‌ی شهری مورد پژوهی منطقه‌ی ۹ شهرداری تهران»، **فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال سوم، شماره‌ی ۱۱: ٤٥- ٤٣.

۲۱. مروتی شریف‌آبادی، علی و اسدیان اردکانی، فائزه (۱۳۹۳) «ارائه‌ی مدل توسعه‌ی گردشگری سلامت با رویکرد تلفیقی تاپسیس فازی و مدل‌سازی ساختاری تفسیری در استان یزد»، **مدیریت سلامت**، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۵۵: ۸۸- ۷۳.

۲۲. مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۰) «به سوی شهرسازی دموکراتیک»، **فصل‌نامه‌ی مدیریت شهری**، (۵)، ٤٤-٥٧.

۲۳. نوذری، کمال و رجب‌دوست، مسعود (۱۳۸۸) «برنامه‌ریزی مردم‌گرایانه و شهروندمدار یا برنامه‌ریزی مدرنیستی و کارکردگرا»، **مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا**، شماره‌ی ۸٦: ٣٦-٣٢.

٢٤. نوریان، فرشاد و آریانا، اندیشه (۱۳۹۱) «تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری مطالعه‌ی موردی: میدان امام علی(عتیق) اصفهان»، **نشریه‌ی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی**، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۲: ۲۷-۱۵.

۲۵. یاور، بیژن (۱۳۸۰) «**شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر ایرانی، واقعیات، اهداف و استراتژی‌ها**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی شهرسازی- برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

26. Attri, R., Dev, N., and Sharma, V. (2013). Interpretive Structural Modelling (ISM) approach: An Overview. Research Journal of Management Sciences, Vol.2, No.2, PP: 3-8.

27. Duperrin, J., & Godet, M. (1973). Methode De Hierar Chization Des Elements D'um System. Rapport Economique De CEA, R-45- 51.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]

28. Forester, J. (1982). Planning in the Face of Power, Journal of the American Planning Association, Volume 48, Issue 1, PP: 67-80.
29. Shankar, Ch., Transue, M. and Felder, F. A. (2011). Analysis of barriers to development in landfill communities using interpretive structural modeling. Habitat International, No. 35, PP. 246-253.
30. Warfield, J.N. (1974). Toward interpretation of complex structural modeling. IEEE Trans. Systems man cybernet, Vol.4, No.5, PP: 405-417.
31. Warfield J.N. (1976), Societal systems: Planning, policy and complexity. Willy Interscience, New York.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-22]